

ف

# آریان گوده

صادق هدایت

۲۳۴۸۸۱



## اوسانه

اهدائی



بوسیله

تهران ۱۳۱۰  
چاپخانه فردوسی

۸۴۲۱۷

در تاریخ

تواند رعایت

۱۸۸۳۶۶



دندان

رسانه



کتابخانه مجلس شورای ملی و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی

تاریخ

« کودکان افسانه ها میاورند ،  
درج در افسانه شان بس راز و پند ؛  
خزل ها گویند در افسانه ها ؛  
گنج میجو در همه ویرانه ها . »

مولوی

دیباچه

ایران روبه تجدید می رود ، این تجدید در همه طبقات مردم  
بخوبی مشاهده میشود ، رفته رفته افکار عوض شده ، رفتار و روش  
دیرین تغییر میکند و آنچه قدیمی است منسوخ و متروک میگردد -  
تنها چیزی که در این تغییرات مایه تاسف است ، فراموش شدن و  
از بین رفتن دسته ای از افسانه ها ، قصه ها ، پندار ها و  
ترانه های ملی است که از پیشینیان بیادگار مانده و تنها در سینه ها  
محفوظ است . زیرا تا کنون اینگونه تراوشهای ملی را کوچک  
شمرده و علاوه بر اینکه در گرد اوری آن نگرشیده اند ،  
بلکه آن ها را زیادی دانسته و فراموش شدنش را مایل  
بوده اند !

چقدر شاعرانیکه دیوانشان بچاپ رسیده ، ولی امروزه  
کسی آنها را نمیخواند و نمیشناسد - چون طبعاً بواسطه تغییر  
زمان و افکار از اهمیت گفتار آنها کاسته ، و همه تشبیهات و  
کلیات اغراق آمیز آنها بی مزه و خنک شده . اما از طرف

دیگر آثار ادبی که دارای فکر نیرومند و ارزش حقیقی است ، تازگی خود را از دست نداده و روز بروز بر اهمیت آنها افزوده میگردد . البته منظور ما مقایسه نیست ولی همین ترانه های عامیانه که بنظر مسخره امیز نگاه میکنیم ، در صورتیکه هنوز ورد زبانه است ، که خودمان در پیچگی خواننده ایم و حالا هم دوست داریم که بشنویم - هرگاه زیادی و بیخود بود تاکنون از بین رفته بود . پس نکته ای هست که از آنها نگهداری کرده و یا برای اینست که مناسب و بفرآخور روحیه مردم درست شده و چون گوینده آنها از توده عوام بوده بهتر توانسته است این اثر را انجام بدهد .

برخی از آنها باندازه ای خوب و دلچسب است که نه تنها در يك شهر ، یا يك ولایت رواج دارد بلکه در سرتاسر ایران در ده کوره ها و همچنین در شهر های بزرگ زبانهای بومی با تغییر جزئی خوانده میشود ، مثلا از « دو بدم دو بدم ... » ( صفحه ۲ ) سه نسخه مختلف از ولایات ایران در دست داریم و شاید در سایر شهر ها هم متداول باشد . - چیزیکه آنها را از سایر ترانه ها تمیز میدهد اینست که همیشه يك فلسفه یا فکر اخلاقی در آنها وجود دارد . در همین ترانه فکر احتیاج بشرکت داد و ستد در جامعه بخوبی نمایان است ، ولی فرقیه با پند و نصایح خشک اخلاق نویسان دارد این است که بیابان ساده و طبیعی سروده شده و برای اینکه نتیجه قطعی نگردد ارزش شلوغ میشود ، لیکن تاثیر خود را در فکر بیجه میکند .

ترانه های کودکانه باندازه ای با روحیه و زندگی بیجه متناسب است که همیشه نو و تازه مانده ، و چیز دیگری نتوانسته جانشین آنها بشود . در اینگونه ترانه ها بیشتر جانوران دست در کار هستند : حرف میزنند ، کار ادمها را میکنند ، بازی اثر میآورند ، ولی همه آنها با قیافه و حرکات خنده دار هستند ، از بیجه پستی میکنند و هر کدام از آنها فایده ای میسرسانند مثلا : کلاغ بیدار بیجه را بیدار میکند و سگ دزد را میگیرد . این ترانه ها طوری ساخته شده که بیجه با روح جانوران مانوس میشود و همه آنها را دوست دارد .

ترانه هایی که عمومیت نداشته یا بنسبت اشخاص و موقع سروده شده تا مدتی که مطلب تازگی داشته است ، در سر زبانها مانده ، ولی همینکه تازگی آنها از بین رفته چون ضبط نشده ناچار فراموش کرده اند مانند : « ای سال برنگردی » ( صفحه ۳ ) که برای سال قحطی شصت سال پیش سروده شده و اگر تاکنون مانده برای آنست که هنوز کسانی که در انسال بوده اند بیاد دارند بعضی از ترانه های عامیانه متعلق بیک جرگه یا دسته مخصوصی است و تقریبا از مضمون تند و زننده آنها پیداست مثل : « ادمم و سمه کتم . » ( صفحه ۲۴ ) این ترانه ، اثر طبع بازیگزران و مقلد ها است که در خیمه شب بازی و پهلوان کچل بنسبت موقع می خوانند و اثر نمیشود از جمله ترانه های عامیانه شمرد .

دسته ای از این ترانه ها دارای ارزش ادبی است و با وجود

مضمون ساده بقدری دلفریب است که می‌تواند با قصاید شاعران بزرگ همسری بکند مانند : « تو که ماه بانی در هوایی » ( صفحه ۱۴ ) و یا تصنیف معروف : « دیشب که بارون اومد » ( صفحه ۳۲ ) دارای روح و فکر عشقی است و عاشق هر چه کوشش میکند از بار چیزی در دستش نمی‌ماند ؛ همان سادگی تشبیهات بر ارزش آن می‌افزاید .

بی شک از مبداء و گوینده این ترانه ها سندی در دست نمی‌باشد ، معلوم نیست شعرای گمنامی آنها را سروده‌اند یا از قبیل اشعار بومی است که قبل از اسلام در ایران متداول بوده است ، سپس تغیرات کم و بیش یافته و بصورت امروز درآمده ؛ چه از مضمون و ساختمان بیشتر آنها بست می‌آید که برخی از افسانه های بومی ایران باستان مربوط می‌شود . ( ۱ )

چیزیکه اشکار است ساختمان این ترانه ها اثر تراوش روح ملی و توده عوام است ، که بدون تکلف و بدون رعایت قواعد

( ۱ ) در بسیاری از عادات ، مثلها و قصه های امروزه عوام نشان اعتقادات ، رسوم و افسانه های ایران باستان بخوبی دیده می‌شود ؛ هنوز در اغلب شهر های خراسان بعبادت هخامنشیان جشن سده میگیرند و چراغی میکنند . ( صفحه ۲۱۰ Spiegel Memorial Volume ) مثل معروف : خشک بخشک نمی چسبد ، در اوستا آمده « و ندیداد هشتم ۳۴ » غادت سلام کردن بچراغ قسم خوردن بسوی چراغ ؛ ادب چهار شنبه سوری و غیره ' برگه ای از عادات باستان است و قصه سیمرغ و ازدها باز سادۀ افسانه های ما قبل تاریخی ایران میباشد .

شعری و عروض سروده اند . و مانند اشعار فارسی پیش از اسلام از روی ( سیلاب ) و آهنگ درست شده . میتوان گفت که برخی از این ترانه های ملی ، بدون قافیه نمونه ای از طرز ساختمان قدیم ترین شعر فارسی و شاید از سرودهای ما قبل تاریخی نژاد آریاست . جای تعجب نیست که بگوئیم ما قبل تاریخی ، زیرا شعر اختراع تمدن نمیباشد بلکه نخستین تراوش روح بدوی است : هنوز خیلی از قبایل وحشی با جملات موزون و شعر مانند احتیاجات محدود خودشان را بهم می‌فهماند ، چه شعر زاده احساسات ، اسیر لفظ و قافیه است . و همین جهت هر چه تمدن جلو تر می‌رود دایره احتیاجات بزرگتر میشود ، از اهمیت شعر گاسته شده و بر اهمیت تر افزوده میگردد که دقیق تر و بیشتر برد اثار فکری و علمی می‌خورد .

مطابق اسنادیکه در دست است ، میدانیم که بیشتر تکه های اوستا منظوم بوده و مانند سرود خوانده میشده . در اسناد مذهبی ترسائیان آمده که کلیساهای مسیحی که در ایران بوده از حیث ساختمان ، نظم ، سرود و ساز بر سایر جاها برتری داشته . یعنی عده ای از ایرانیان که بکیش مسیحی گرویده بودند ، ساز و ترتیب کلیسا را از روی اداب دین زرتشتی مترتب کرده بودند .

بنا بدستور ( سن بازیل ) اسقف کپادوس ( سن امرواز ) اسقف میلان ، دو نفر هیرید مسیحی ایرانی را بسمت مستشار موسیقی بشهر میلان وارد میکند و آنها به بهترین طرزی اینکار را انجام میدهند

بطوریکه طرف توجه عامه میشوند. (۱)

(سن اوگوستن) مینویسد که ساز و سرود کلیسای میلان بازه ای در او تاثیر میکند که بی اختیار اشک از چشم هایش سرازیر می شود. (۲)

این تغییر مطابق سرودهای اوستائی زمان ساسانیان بوده است. از طرف دیگری می بینیم که اهنگ سرودهای اوستا بدون قافیه و مانند همین ترانه های عامیانه است. مثلا در این تکه از (گاتها) اهنگ جملات آن بخوبی نمایان است:

و هو خشرم وریم

یاغم ای بریستم.

سکيه و تنای مزدا و هیستم

تندنه نو جیت ورشانه. (۳)

همه اشکال دانشمندان سر اینست که اغلب اشعار اوستا، دارای يك وزن و اهنگ معین نیست. یعنی اهنگ هر بیتی ممکن است با دیگری فرق داشته باشد. در این شعرمصراع اول دارای شش (سیلاب)، دومی هفت، سومی هشت و چهارمی هفت (سیلاب) دارد، این

Mgr Batiffol - Histoire du Bréviaire Romain . (1)

جناب فادررایس این جانب را دوستانه متوجه این نکته نمودند و در ضمن از ایشان تشکر میشود.

Confessions de St Augustin . (2)

Avesta par C. de Harlez ۷۷ صفحه (3)

ازادی قافیه و اهنگ عینا در ترانه های عامیانه دیده میشود، مثلا ترانه ذیل دارای همین وزن و اهنگ است:

هاجسم ، واجسم

تو حوض نقره جسم ،

خانومی بقریوتم شد

نقره نمکدوم شد.

دو نمونه دیگر از قدیمترین شعری که بزبان فارسی سروده شده در دست است که از همین ترانه های عامیانه میباشد. اولی آنها آیات معروف (ابن مفرغ) است که در حدود سنه ۶۰ یا ۶۴ هجری هنگامیکه او را بدستور خلیفه بند کرده بودند و در شهر بصره میگردانیدند میگفته:

آیت نبیذ است

عصارات ز بیبست

سمیه روسیید است.

و دیگری را طبری در ضمن حوادث ۱۰۸ هجری مینویسد ۵: ( ابو منذر امدن عبدالله القسری ) به ختلان لشکر کشید و یا خاقان ترک جنک کرد و شکست خورده به بلخ گریخت؛ اهل خراسان برای او این آیات را ساخته و چپها میخواندند:

از ختلان امدنی

پرو تپاه امدنی

بیدل قر از امدنی .

جای دیگر نوشته:

از ختلان آمدیه

برو تباد آمدیه

آبار باز آمدیه

خشک نزار آمدیه . (۱)

چنانکه ملاحظه میشود در شباهت این ابیات با ترانه های ملی امروزه جای تردید نیست و همین نشان می دهد که توده مردم شیوه و قاعده شعری ایران پیش از اسلام را از دست نداده است و (آمدی) که در آخر این بیت ها تکرار شده حکم ردیف را دارد و نیاید با قافیه اشتباه شود. (۲) بدست برای اینکه تحقیقات بیشتری راجع باینگونه گنجینه های ملی بشود باید کتاب های مفصل نگاشت و در یک دیباچه مختصر ذکر آن بی مورد است؛ و نیز با گفته نماد که

(۱) آقای میرزا محمد خان قزوینی مینویسد: « و این ابیات اگر چه آنها را شاید از قبیل شعر ادب یعنی متعارفی مصطلح توان محسوب نمود بکنه ظاهراً از قبیل اشعار عامیانه است که اکنون «تصنیف» گویند ولی در هر صورت نمونه بسیار دلکش عربی است ازین جنس شعر در هزار و دوست سال پیش ازین در خراسان و وزن این اشعار را اگر چه می توان از بعضی ملاحظات بحر رجز « مطوی مخبون » بر وزن مستفعلن مفتعلن ومفتعلن مفتعلن و مفتعلن مفاصل استخراج نمود ولی قریب یقین است که این توافق وزن از قبیل تصادف و اتفاق است چنانکه بعضی از اشعار انگلیسی یا فرانسه را هم متلاً میشود بطور تصادف بر یکی از بحور عرب حمل نمود . « مجله کوه و بیست مقاله قزوینی صفحه ۳۵ »

این کتاب مشتمل بود بر دو قسمت : بخش اول همین ترانه های عامیانه و بخش دوم مجموعه مفصلی راجع به اعتقادات و عادات عوام که امیدواریم پشت بند همین کتاب بچاپ برسد - معلوم است این کتاب دارای نواقصی میباشد و برای گرد آوردن همه ترانه های ملی باید در سایر ولایات و دهکده های ایران حتی آنچه که سابق بر این جزو ایران بوده کاوش جلی بشود .

در اینجا تنها ترانه هائی ذکر میشود که اثر فکر عوام است و از درج اشعاریکه بزبان عوام گفته شده و یا تقلید همین ترانه هاست خود داری کردیم . در چاپ دوم کوشش خواهیم کرد که مجموعه مفصل تری با همه اسنادی که در دست داریم به چاپ برسانیم و از کسانی که ما را در این جمع اوری کمک خواهند کرد قبلاً تشکر مینمائیم .

در خاتمه از آقای ذ - بهروز که مرا در چاپ این کتاب تشویق نمودند نهایت امتنان را دارم و بزرگواران آقای جواد کمالیان میباشد که در گردآوری این مجموعه کمک های گرانبها باین جانب کردند .

ص. هدایت

تهران ۱۲ مهر ماه ۳۱۰



\*\*\*

دویدم ، دویدم ،  
 دوتا خاتونی دیدم :  
 یکیش بمن نون داد ،  
 زمین بمن علف داد ،  
 بزنی بمن پشگل داد  
 نونوا بمن آتیش داد ،  
 زرگر بمن قیچی داد ،  
 درزی بمن قبا داد ،  
 بابا بمن خرما داد .  
 کفتم : بابا خرما بدد  
 رفتم کلام و بیارم :  
 اتیش به ینبه افتاد  
 سگ به شکنبه افتاد ،  
 کربه به دنبه افتاد . (۱)

\*\*\*

قورباغه میکه من زرگرم ، طوق طلا بگردنم ،  
 ها جسم و واجسم ، تو حوض قره جسم ،  
 قره نمکدونم شد ، خانمی قبرونم شد .  
 سگه واق واق میکنه .  
 خره عر عرمیکنه ،  
 کربه پیاز داغ میکنه ،  
 دنبشویه ور میکنه ،

\*\*\*

(۱) زن بشیداب میکشید ،  
 نخوردم و نخوردم ،  
 نون و پنیر بیشم کشید ،  
 از در خونه درم کشید .

رقبه رق میزنه ، سرشو بصندق میزنه ،  
 کلاغه غارغار میکنه ، اقا رو بیدار میکنه .

\*\*\*

کلاغه میگه - : من غار و غار میکنم واست ،  
 اقا رو بیدار میکنم واست ،  
 گنجیشگه میگه - : من جیک و جیک میکنم واست ،  
 تخم کوچیک میکنم واست ،  
 خره میگه - : من عر و عر میکنم واست ،  
 پشگل تر میکنم واست ،  
 سگه میگه - : من واق و واق میکنم واست ،  
 دز و بی دماغ میکنم واست ،

\*\*\*

خورشید خانوم افتو کن ، به مش برنج تو او کن ،  
 ما بچه های گرگیم ، از سرمائی بمردیم .

\*\*\*

رفتم بصحرا دیدم قورباغه ، کفتم : قورباغه دماغت جاقه ؟  
 رفتم بصحرا دیدم لاک پشت ، کفتم : لاک پشت قرت مارو کشت !  
 رفتم بصحرا دیدم مار مولک ، کفتم : مار مولک عیدت مبارک !

\*\*\*

گنجیشکک الیلی ، بابای منو تو دیدی ؟  
 بله بله من دیدم : کلنگکی دوشش بود ،  
 ای ته دولش بود .

گره میگه : میو میو ، سکه میله : بدو میو ،  
 اب چشمه هك شوره ، ماهیبای توش كوره ،  
 حالا كه بلبل میخونه ، حالا كه پایا بیونه ،  
 حسنی كه باغ داره ، بره چاق داره .  
 بچه ها بیابن دس بزیم ،  
 داروغه چه كار داره ؟  
 رفتم بسوی صحرا ، دیدم سوازی تنها ،  
 گفتم : سوازی کیستی ؟ گفتا : سوازی بلل ،  
 گفتم : چه داری در بغل ؟ گفتا : کتاب پر غزل ،  
 گفتم : بخوان تا گوش کنم ، گفت : اسم من اراسته  
 اقتاب خوشست  
 میزیم طبل علا ، میرویم پیش خدای  
 ای خدای خوشنام ، صد هزارت بکنام ،  
 کاشکی من مرغی بودم ، مرغ سیمرغی بودم ،  
 در هوا پر میزدم ، بر زمین سر میزدم .  
 این درو وا کن اش بیاد ، اون درو وا کن اش بیاد ،  
 مزد قریاش بیاد ،  
 هنبونه جوتوم هنبونه ، هنبونه را بسیم برشونه ،  
 رفتم اسباب دودنیونه ، سلام علیکم هنبونه ،  
 دردت بجونم هنبونه ، آرام جوتوم هنبونه ،

کی هنبونه رو میجیونه ؟ میلدونم چرا می لنبونه !  
 موش رفته تو هنبونه ، سرش و اونجا می جیونه ،  
 خودش میگه رفیقتم ، اما منو بیشتر سونه ،  
 ای هنبونه ، ای هنبونه ، دردم بجونت هنبونه !  
 سوار این لاک نمیشم ، سوار اون لاک نمیشم ،  
 سوازی لاکزاده میشم ، تا دم دروازه میرم ،  
 دروازه تکین داره ، قاف عنبرین داره ،  
 عنبر بسایم ما ، دوراو بگردیم ما .  
 ای شاه کمر بسته ، خنجر طلا بسته ،  
 خواهرش بالا خونه ، تنبون فرمزی پاته ،  
 بیخ کردم و بیخ کردم ، بند فرمزی پاشه !  
 گره زن عموم شد ، گره رو تو مطبخ کردم :  
 شاشو شاشو شرمنده ، دم پختگها تموم شد !  
 دور حیاط میگردد ، جارو به دهمش بنده ،  
 شاشو زده به حاشا ، بچه ها بیابن تماشا ،  
 اینك رایو دونك روی ، بر سنك بزنی کیلك روی ،  
 کیلك کناره داره ، شاه تقاره داره ،  
 شاه خانم تبریزی ، انگشترش باقرزی

\*\*\*

نون و پنیر و پسه  
دسمال شا سوخته شده  
این در و وا کن فریدون ،  
قالی رو بکش تو ایوون  
اسم بابام مموته .  
پرهن زرد خالا  
بشین و زهرمار کن ،  
نکنی روده درازی .

\*\*\*

کچل کچل کلاجه  
کچل رفته به اردو :  
کردو رو ایش برده  
کچله رو خوابش برده !

\*\*\*

کچلا جمع شویم تا برویم پیش خدا  
یا علاج سر ما کن ، یا بزن کردن شاه مگسا .  
جینگیلی کچل . . . جینگیلی کچل . . . !

\*\*\*

رفتم در باغ دو در  
چیدم دو تا تر که تر ،  
زدم به کله کچل :

زفت از سرش ور امد  
جیغ و دادش در امد .

\*\*\*

بارون میاد قلقاچی  
تو جیب بابام پر نخوچی .

بارون میاد ریزه ریزه  
تو جیب بابام پر فیروزه .

\*\*\*

بچه ها دس بزیم یا بزیم موش . . . داره ،

بزیر . . . اش چار پایه داره !

\*\*\*

فرش اطاق خاله ،  
شم اطاق خاله

مروازی یای خاله  
از بی یای بزغاله !

جاروی اطاق خاله  
دندونای بزغاله

مهمونای خاله ،  
از رشای بزغاله

از دولت بزغاله !

\*\*\*

خاله خاله ،  
اشت کاله

در خوشتون  
قال مقاله .

\*\*\*

دختر خاله رو چه کردی ؟  
گل لاله رو چه کردی ؟

سر نخار و کر جیلم  
بدور هم پیچیدم

بتوی طاقچه جیلم  
واسم جوراب بچینه .

تسم بیاد بینه

\*\*\*

این لوجه رو کی ساخته ؟  
اوسای بنا ساخته .

با چوب نمنا ساخته .

ازون بالا میاد بک کله دختر همه چادر بسر مثل کیوتر .  
 ازون بالا میاد به دسه حوری همه چادر بسر سینه باوری .  
 \*\*\*  
 عدس عدس عدسی پس چرا خانسی ؟  
 مکه حنا گرون بود قیمت زعفرون بود ؟  
 \*\*\*  
 رفتم خور باغ در شکسه دیدم ابولی اونجا نشسته ،  
 گفتم : ابولی روغن چطوشد ؟ گفتا : بخدا سناری کم شد ا  
 \*\*\*  
 بچه ها بگیریم بونه با هم بریم تو خونه ،  
 تون و پیر و پونه : ننه ننه کشمونه .  
 \*\*\*  
 فریدون ، مالا متا اسبت و بکش تو میدون  
 بیا کسی نباشه باه خانمی میخوان شوارشه .  
 \*\*\*  
 ای داد میداد تخمه بو میداد ،  
 بهمه میداد بمن نمیداد  
 وقتیکه که داد یوساش و داد ،  
 منم بو دادم باو ندادم  
 وقتیکه دادم یوساشو دادم .  
 \*\*\*  
 کقدر بهوا زنگوله نباشه قاطمه گم شده رقیه بجاشه !

این جیبه ؟ یوس بره ، بز ن تا بادش دره !  
 \*\*\*  
 راسی ؟ راسی ؟ چون خاله ماشی ؟  
 تو بودیکه ماس میخواستی ؟ چارقد گارس میخواستی ؟  
 به دس لباس میخواستی ؟  
 \*\*\*  
 هایلله و بلیاه روغن میخ طویلله  
 کسه سرله شیربه .  
 \*\*\*  
 افتاب زده گلی گلی قد قد مرغ کاکلی ،  
 تخم سفید میداره ، جوجه شو کدر میاره .  
 \*\*\*  
 ما سنگزن شینه زن امورچه خانیم زازد خوب می راجیانیم ،  
 \*\*\*  
 تنبه . گوشت و پیاز و دنبه ،  
 گوش نمیحوام دنبه میخوام به زن ... کنده میخوام .  
 \*\*\*  
 الحمد اش کشکی مردك اب زرشکی ،  
 ایبای نصفه کاره ، انجیل یاره یاره ،  
 قل قل قلّه و ولا به عمله دو بنا .  
 قل هو و لاو صمد موشرفت لای نمده ،  
 میزنه جفدك و لقد الا ، بلا کفوآ احد .

قوری لب طلائی ، \*\*\*  
نه قند داره نه چائی ،

عروس باین کوتائی ،  
دوماد باین سیائی  
هر دو بهم میائی !

\*\*\*  
تبت بدا ایله ،  
کاهش بده ، جوش بدلا نمیره .  
اخوند و بیر طویله ،

\*\*\*  
الف ، ب تدر مسن  
ریش اخوند . . . حسن .

\*\*\*  
یک ، دو ، سه ،  
زنک مدرسه ،

چار ، پنج ، شیش ،  
ناظم یا بیش ،

هفت ، هشت ، نه  
یک قدم جاو ،

ان ، لن ، کی و اذآ  
مش غلامحسین زنک و بزین .

فینیه ،  
فردا تعطیله

لوییا ،  
صبح زود یا ،

عدسی ،  
فردا مرخصی .

### ترانه دایه ها و مادران

لالائی

لا لا ، لا لا گل یونه ،  
مگدا امد در خونه ،

نوش دادیم بدش امد ،  
خودش رفت و سگش امد

لا لا ، لا لا سگام باشی ،  
تو درمون دلم باشی ،

یمونی موتم باشی ،  
بخوایی از سرم واشی ،

لا لا ، لا لا گل خشخاش ،  
بایات رفته خدا همراش ،

لا لا ، لا لا گل فندق ،  
نه ات امد سر صنلق ،

لا لا ، لا لا گل پسه ،  
بایات رفته کمر بسه ،

لا لا ، لا لا گل زیره ،  
چرا خوابت نمیگیره ؟

که مادر قریونت میره .

\*\*\*

دسی دسی بایاش میاد ،  
صدای کفش یاش میاد ،

دس دسی ننه اش میاد ،  
با هر دو تا مه اش میاد ،

دس دسی عموش میاد ؛  
با جیب پر لیموش میاد ،

دس دسی دس و دس  
گرچه مندیشو و می بس

خونه قاضی ور میجس

قاضی خندش میگرف  
باد زیر دندش میگرف !

\*\*\*

کلاغه میگه : غار غار ،  
چاشت بندی قلمکار ،

یسر کی میره سرکار ؟  
( نیچ ) حالا زوده ( نیچ )

[ حالا زوده . . . ]

بهرام خان قندی ،  
زیر درخت الو

بهرام خان درشتی  
زیر درخت نرگس

قربونت میرم به وقتی  
قربونت برم چه میشه ؟

میاخته یارد میشه ،  
ابش بیاله میشه

بقربون سر تو ،  
خودم خرتو میدروم

من قربون و من قربون ،  
اشتر با قطار قربون  
تابه با باباش قربون ،

قربون سرت سر ها  
بچه های کوچو دزن ،

اسبت و کجا می بندی ؟  
داغت و نه بینه خالو .

دیشب کجا میکشتی ؟  
داغت و نیمم هرگس !

انوقت که روی تختی ،  
انار طاقچه میشه ،

خوراک خاله میشه .

شیکر بار خر تو ،  
بمنزل میرسونم .

مرغ جوجه دار قربون ،  
دیک حلقه دار قربون ،  
خواهر شوهر اش قربون .

کوجه ها نری تنها :  
گردن طلا تو میدزن .

خانوم خانوما میزام ،  
جرا نزام به دختری ،  
جاو بیفته نوکری :

خانوم دخترا میزام ،  
سوار بشم بر استری  
پس بروین ، بیش بیاین ،  
مادر خانوم امدلا ؟

جرا بزام به سری  
هی بکشم جور خری ،  
جلو بیفته مهنری ،

مزوری ، حبله گزی ،  
جادوگری ؟

چه دختری ، چه چیزی !  
گوشتا شو در میاره ،

به کس کساش نمیدم ،  
بمرد بیرش نمیدم :  
برای پسر بزرگترین

خاله خاله جون ،  
مرغه کجاس ؟

چن تانخ داده ؟  
نخماش چتو شد ؟  
حناش کجاس ؟

بله خاله جون !  
تو زنبیل ،  
به غریبل ،  
حنا شد ،  
دس عروسه ،

تا بشینم پشت دری ،  
سوار بشم کره خری !  
از در که تو پیام بکن :  
دس میکنه تو دیزی ؟  
نخوداشو جا میداره !  
براه دورش نمیدم ،  
شا ییاد با لشگرش ،  
ایا بدم : ایا ندم . . !  
تو زنبیل ،  
به غریبل ،  
حنا شد ،  
دس عروسه ،

عروس کجاس ؟ توی حمومه ،

اب حموم دیگه نمومه .

اب حموم چتو شد ؟ اب حموم و شتر خورد ،

شتره کجاس ؟ پای چنار ،

چی چی میخوره ؟ بلک چنار .

\*\*\*

تو که ماه بلند در هوایی

منم ستاره میشم دورت و میگیرم ،

تو که ستاره میشی دورم و میگیری ؟

منم ابری میشم روت و میگیرم ،

تو که ابری میشی روم و میگیری

منم بارون میشم تن تن میبارم ،

تو که بارون میشی تن تن میباری ؟

منم سبزه میشم سر در میبارم ،

تو که سبزه میشی سر در میباری ؟

منم گلی میشم پهلویت می شینم ،

تو که گلی میشی پهلووم می شینی؟

منم بابل میشم چه چه میخونم .

\*\*\*

شیشم شیشه عمره ،

چارم چار پایه داره ،

دوم دو زلف پاره

پنجم پنجه شیره ،

سوم سه نهر ابه

یکم یک گل خاره .

ین شیش تارو قلیه کنیم

بیریم پهلوی یار

\*\*\*

اب اوعد ، اب اوعد ،

کدوم اب ؟

همون که تش خاموش کرد ،

کدوم تش ؟

همون که چوب سوزونده ،

کدوم چوب ؟

همون که سگ رو کشته ،

کدوم سگ ؟

همون که مرغ و خورده ،

کدوم مرغ ؟

اون مرغ زرد یا کوتا

سینه سرخ دم طلا ،

سیا و سفید گل باقالا ،

صد تمن دادن نداشم :

اون سگه مفتی بردش ،

سر یا تشس و خوردش !

\*\*\*

دیشب نبودی خونه

دز رفته بالاخوله

کک برده و مک برده

به جفت توله سگ برده ،

داماد یا لحاف برده

عروس یا دشک برده !

## بازیها

روی پای بچه ها زده این ترانه را میخوانند و هر کدام بنوبت پایشان را کنار میکشند ، کسی که پایش بماند باخته است :

اتل متل توتوله ،  
نه شیر داره نه بسون  
به زن کردی بسون ،  
واسه اش بزن نقاره .  
صداش رفت استنبیل ،  
بند دلم کباب شد !  
ها چین و واچین  
به پاتو ورجین !

\*\*\*

اتل متل توت متل  
خالمی کجاس ؟  
چی جی می چینه ؟  
برای کی ؟  
کی برود ، کی نرود ؟

\*\*\*

.....  
الوجه سه گردو  
اردو سلندر شد  
بگم بگم حیا کن  
چی جی میچینه ؟ الوجه !  
خبر بردن به اردو ،  
کفش بگم تر شد ،  
از سوراخ در نگاه کن .

\*\*\*

کف دست بچه را قفاک میدهند و از انگشت کوچک او شروع کرده میگویند :

لیلی لیلی حوضک .  
۱ - گنجشکه اعد اب بخوره افتاد تو حوضک ؛  
۲ - این دوید و درش کرد ،  
۳ - این ماجی بر سرش کرد  
۴ - این نازی بر پرش کرد  
۵ - شست این کله گنده اعد گفتش : بده به بینم ،  
همینکه دادن بینم ،  
گنجشکه پرید رو چینه .

\*\*\*

۱ - این کوجول کوجوله ، ۲ - این تنه موجهوله ، ۳ -  
این عبا بلنده ، ۴ - این قبا بلنده ، ۵ - اینم کفش  
دوز کنه .

۱ ( این گفت بریم به صحرا

۲ ( این کف جی بیاریم ؟

۳ ( این کف گون بیاریم

۴ ( این کف گره اون جاس ،

۵ ( این کله گنده گفتا : هشتم شفا را همرا

از کی دیگر میترسین ؟

\*\*\*

دست های بچه را گرفته به جلو و عقب می برند و می گویند :

مشکی ، دوغی ، هراتی ،  
بیریم بازار بفروشیم ،  
به من کرد نیاتی ،  
بیرهن نو ببوشیم .

\*\*\*

چند نفر بچه دور هم نشسته انگشتشان را روی گل قالی میگذارند ، اوسا میگوید « اوسا بندوش ، زن اوسا ندوش - کلاغ پر ، گنجیشک پر . . . » بچه ها دستشان را بلند می کنند ، ولی هر گاه اوسا نام جانور یا چیز دیگری را ورای پرنده بگوید و کسی دستش را بلند نکند مثلاً بگوید « گاو پر .. ! » انوقت او را به پشت خم کرده و با کف دست بیشتش زده میگویند :

تپ تپ خمیر  
پرده حصیر  
شیشه پر بنیر ،  
توتک فطیر ،

دس کی بالاس ؟

این کار تکرار می شود تا بچه که خم شده درست حدس بزند ،

\*\*\*

بچه ها یا های یکدیگر را گرفته اوسا میگوید :  
سه دبه و دو دبه  
سه دبه و سه دبه ،

سه سید سیب رنگین  
اهو بچرا  
سه انار ترش و شیرین و  
برده بچه را  
سبوری سبور .

ای مادر گلندون ،  
هلالی زمزمه کشک و بادمجون  
آمدی قریبی افتادی توفندون ،  
بقر بون سرت به خورده بجنبون .

\*\*\*

بچه ها مشت خودشان را گره کرده رو بهم میگذارند و اوسا میگوید :

جمجمک بلک خزون  
کیس داره قد کمون ،  
مادرم سیمین خاتون  
از کمون بلند تره ،  
از شبق مشکلی تره ،  
شونه فیروزه میخواد  
گیس او شونه میخواد ،  
حموم هرروزه میخواد .

\*\*\*

یشک — در باز بهای دسته جمعی ، یکی دو نفر اوسا لازم است که شروع و ترتیب بازی بدست آنهاست . برای بار گرفتن بیش از اینکه انگشتان را بشمرند میگویند :

سر از من اخر از تو ، به نخود ، دو نخود ، سه نخود ،  
جاری جنبر ، مشک و عنبر ، تازی ، توزی ، حقا ، روزی .  
و با میگویند :

کاشکی من گربه بودم ، میو میو کرده بودم ، به قاب  
پلو خورده بودم !

مثلا در بازی گرگ و بھوا ، گرگ و اوسا اینطور گفتگو می کنند :

گرگم و الله میبرم ، جویون داره نیمداره ،  
من میبرم خوب خوبشو ، من نیملم یسگلتشو ،  
کارد من تیز تره ، دنبه من لذیذ تره ،  
خونه خاله کدوم وره ؟ از این وره از اون وره . !

اشتر اشترم ، لب اشترم ،  
اشتر کجاس ؟ مازندرون .  
چی چی میخوره ؟ بلگ خزون  
چی چی میبره قند و شکر  
راه گذرش ؛ از اینطرف ازونطرف . . . !

برای زبان بنندان معلم میگویند :  
از در درائی در شوی مرا بینی خر شوی و دست  
سرت سید ، زبونت نمده ، بحق الله و صدق . . . !

دو بچه که از بلدگرمیرنجند یکی از آنها میبرد :  
س - رو زمین جیبه ؟ ج - خاك  
ج - حساب من و تو پاك  
درموقع اشتی میگویند :

س - رو زمین جیبه ؟ ج - ربك  
ج - من و تو رفیق !  
س - تو ديك جیه ؟ ج - اش - ج - من و تو داداش .

در موقع تهدید روی زمین خط کشیده میگویند :  
این خط ، این نشون اینم کلاه درویشون ،

برای اینکه حدس بزند در دست رفیقشان چیست می گویند :  
در داره غنیچه داره کلید صندوقچه داره ،  
درش و واکن این تو داره .

یا دربنه یا درونه  
خواجه رومیاش براونه .



## ترانه های عامیانه

بادا بادا ایشالا مبارکبادا !  
 امدم وسمه گتم ، نیامسم وصله گتم ،  
 ایشالا مبارکبادا ! عیش بزرگونه ،  
 ایشالا مبارکبادا !  
 خونه بابا تون و انجیر ، خونه شوهر چوبه و زنجیر !  
 ایشالا مبارکبادا !

گل درین باغه ، سنبل درین باغه !  
 شادوشاد را بگو : عروس درین باغه ،  
 گل بنسم باقیه ، سنبل بنسم باقیه ،  
 شادوماد را بگو : چه وقت نومزد بازیه ؟

بادا بادا ایشالا مبارکبادا ،  
 امشب چه شبست ؟ شب وصال است ،  
 اینخانه پر از چراغ و لاله س !

امدیم باز امدیم ازخونه دوماد امدیم :  
 همه ماء و همه شاه و همه چشمابادومی ،  
 امدیم ، باز امدیم از خونه عروس امدیم :  
 همه کور و همه شل و همه چشمه نم نمی .

عروس خاتون بیا بشین بهجلس  
 بدور خود بچین نارنج و ترگس

عروسك چادر بسر كن حالا وقت رفته  
 نمیرم ، من نمیرم من ، خونه بابام بهتره .

دامبول ، دیمبول تقاره ، عروس چادر نداره  
 دوماد رفته پیاره .

مادر دوماد ، خیک پر باد .  
 مادر عروس ، بشین و بسوز .

مادر شوور ماره ، بچش مارمولك ،  
 خواهر شوور خاره ، بچش خارخسك .

مادر شوورم غرید و لندید ، من حوصله کردم ،  
 يك چارقت مشمش بسرم تیده پاره کردم .

مادر شوور غرغری ، تا کی میکنی جفلی ؟  
 ساررو وردار با قری : گوشه حیاط نشسه باش ،  
 مقاش بست داشته باش مژه تو بکن بواش بواش ،  
 کار پروس نداشته باش .

روزیکه من و دیدی که خوردی پسندیدی ؛  
 بابام و بگی، بابا تو میکم نغم و بگی، تنت و میکم  
 آخر سر ، به دس خر دست میلم !

\*\*\*

مادر شوور خنشتی دیشب چه دردی داشتی :  
 اقبه ور میداشتی ، دور حیاط میگشتی ؟

\*\*\*

ای دلم ، ای کرم از دس مادر شوورم ،  
 بسکه غرغر میکنه ، دل و جگره و پر میکنه .

\*\*\*

شوهرم تریا کیه ، مثال کرم خاکیه ،  
 شب که میاد بخونه از من میگیرد بونه :  
 باد تو هونگ نکوقتی زیر سیلم و نروفتی !

\*\*\*

یل من یراق میخواد ، یراق نمیدی ، طلاق میخواد .  
 طلاق نمیدی ، ددر میرم از کوجه دو ددر میرم  
 با کل ممد جفر میرم ، با لاله و فتر میرم :  
 ددرم سر بولکه بول دارم تو قلکه .

\*\*\*

تبا کورو پرتم کن ، انیش سر و کم کن ،  
 مهمون بگیره دودی ، اواره بشه زودی .  
 به سیر گوشت دارم زینکه تو بار کن ،

مهمون دارم ابشو و زیاد کن  
 قوت ندارم به سبخ کباب کن ،  
 چه زاغ ندارم دنبه شو اب کن !

\*\*\*

مردیکه تون نداره انقله زیون نداره .

\*\*\*

هر کی عروس عمه شد سرخ و سفیدوبه شد ،  
 هر کی عروس خاله شد ، سوسک و سیا و جزغاله شد .

\*\*\*

بسرزائیم به اه و هوس بزرگش کردم به اه و نفس ،  
 دادمتش بدس خر مگس ،

خر مگس ورداشت درفت : کنج قفس !

\*\*\*

هر جا نقل و نواله اس ، او نجاته جای خالس ،  
 هر جا گربه وزاری اس برین خاله رو بیارین .

\*\*\*

به تیکه تون یریزی من بخورم با اکبری ؟

\*\*\*

هم گل مگلونه ، هم سفره نونه .

هم لنگ حمومه :

هم حسنی بسر می بیچه هم دور کمر می بیچه ،  
 هم دخل فروشش هس هم لحاف دوشش هس .

\*\*\*  
 مال از خودم ، زمین از خدا  
 نه رئیس میخوام به کد خدا .

\*\*\*  
 ای خدا سوخته جونم : ازین فرش اطاعت ،  
 ازین بابل باغت ، ازین شم چراغت ،  
 ازین اش سماقت ، ازین چادر تاقت ،  
 ازین کفش شلخت . اِهه اوه ، اِهه اوه ،  
 چه لنده لنده داری ، چه . . . گنده داری !

\*\*\*  
 به چارک برنج جوشوندم ، خلق خدا رو نشوندم ،  
 چه خوردن و چه بردن ، چه خونه ها سیردن !

\*\*\*  
 دنیا باین بزرگی ، کوره نصیب ما شد !  
 باغ باین بزرگی : غوره نصیب ما شد !

\*\*\*  
 سفید سفیدش صد تمن ، سرخ و سفید سیصد تمن ،  
 حالا که رسید بسبزه هر چه بگی میارزه .

\*\*\*  
 سیا باشه ، سوخته باشه نمدی بکول داشته باشه ،  
 به خورده پول داشته باشه .

\*\*\*  
 بی اوسا بکار رقتم بی سگ بشکار رقتم ،  
 اش کشتگ پر عدس . شاباجی بفریادم برس .

\*\*\*  
 پری پری ور پیری ، دیشب کی بود تو پنج دزی ؟  
 اجیل فروش کوچمون ، دسماں اجیل آورده بود ،  
 اجیلا رو من پیش دادم وعده به امشبش دادم .

\*\*\*  
 بی زبیده بانو ، اخ اوخ قر اومده تا زانو ، اخ اوخ  
 زن ملا حسنم صاحب طاس و لشم ،  
 صد کله و صد پاچه و صد دیک پلو مزه مزه کردم ،  
 هنوز صبح نشده ناشتا می کردم .

\*\*\*  
 دهن داره جو کاله ، دماغ داره نواله  
 چشمه داره نخوجی ، ابرو نداره هیچی .

\*\*\*  
 دهن داره جو غنچه ، دماغ داره قلمچه ،  
 چشمه داره بادومچه ، ابرو داره کمونچه .

\*\*\*  
 بیا بوییم باغ بودونک ، شراب ما دوغ بی نمک ،  
 کباب ما نون و جیگرک دلیر ما فاطمه کورک !

سید ال کوفته ،

\*\*\*

دشمن مال مفت ،

\*\*\*

پلو و جلو و مسما ،

ته دیک و ابگوشت و ترحلوا ،

ای اشیز دلاور

ته دیک و زود بیاور ،

ای خانم دلخسه

ته دیک هنوز نمسه .

\*\*\*

شاباجی خانم زائیده

بالای اطاق خوابیده ،

ماباجی خانم رسیده

هسه هلو ساییده ،

شاباجی خانم بچه ات کو ؟

قیچی و ماماچه ات کو ؟

بچه نبود ، باد بود

اسمش خدا داد بود .

\*\*\*

فالت فاله ،

مردنت امساله ،

گفت یوس شفاله

قبر کنت خر چنگاله !

\*\*\*

سر کوه بلند جنگ میکنم جنگ

قبای میهنکی رنگ میکنم رنگ ،

قبای میخلی ایی همیشه ،

دلم از درد دو خالی نمیشه ،

الهی رنگرز رنگت نجوشه

خودم رنگ میکنم یازم بیوشه .

\*\*\*

دل هادم ، دل ها گیدم بنده

گردیدم ، باباش خانومجان !

چون او بیای گل ورا کرده

گردیدم ، باباش خانومجان . (۱)

\*\*\*

هالوک مردم ، کرد مردم

والله بخدا کاری نکردم .

زنجیر بگردن ،

گوشه نشینم .

هروله ، هروله بیملووه ،

زرد هوجه وقت خووه ؟

\*\*\*

سک استخوان سوخته را بو نمیکنند ،

کاربکه جس میگویند ، ابرو نمیکنند .

\*\*\*

بالای بونی یار

کقدر پرونی یار ،

شست بنازم ای صنم ،

خوب میپرونی یار .

\*\*\*

بالات بلنده

ابروت کمنده ،

میان هر دو ابرووت

خال سمنده .

\*\*\*

اگر یارمنی من همون یارم

صد جفا کنی من وفا دارم ،

دسمال حریر تو بدس داری

از حال دلم چه خبر داری ؟

امروز دوروزه ، فردا سه روزه

یارم نیومد دلم میسوزه .

(۱) دل دارم و دل گرفتیم و بنده شدیم . چون اب بیای گل برکنده شدم .

دیشب که بارون اومد ،  
 راقم لبش بوسم ،  
 بارم لب بون اومد ،  
 بازگ بود و خون اومد ،  
 خوش چکید تو باغچه  
 به دسه گل در اومد ،  
 راقم گلش بچینم  
 بریر شد و ور اومد ،  
 راقم بریر بگیرم  
 کفر شد و هوا رفت ،  
 راقم کفر بگیرم  
 اهو شد و صحرا رفت ،  
 راقم اهو بگیرم  
 ماهی شد و دریا رفت!

\*\*\*

به دیک دارم چهار گوشه  
 حلقه دیکم شیکه  
 زرگر بایش نشسه  
 راقم بازار زرگرا ،  
 دیکم خانوم چادر سرا  
 کفتم : خانم خونت کجاس ؟  
 گفت : خونمون خیابونه ،  
 وقتی بیا که وقت باشه  
 یچه هام تو مدیخ باشه .

\*\*\*

سکینه مست و من مست سکینه ،  
 صد و پنجاه من دادم جریسه  
 برای خاطر موی سکینه .  
 که پس از من اگر یاری وفا بود ،  
 فک ای داد !  
 یچه پر جور و جفا بود ،  
 فک ای داد !  
 های دلی ، دلی ، اخ از دل من ،  
 دل هیچ کافری و هیچ بت پرستی !

شد مثل دل دیوانه من ، فک ای داد  
 یچه پر جور و جفای فک ای داد...!

\*\*\*

اشتر بچراست در بلندی  
 کله اش بمثال کله قندی  
 گوشش بمثال باد بزند و کله قندی ،  
 ابروش بمثال تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،  
 چشمش بمثال دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ؛  
 دماغش بمثال دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ؛

دهنش بمثال غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،  
 دندونش بمثال خاکند و غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،  
 سینش بمثال لخته سنگ و خاکند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،  
 شکمش بمثال طبل جنگ و خاکند و غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،  
 پاهاش به مثال چارپایند و طبل جنگ و لخته سنگ و خاکند و غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی .

ای سال بر نگردی  
زهار و سلخته کردی  
دکونها رو تخته کردی ،  
ای سال بر نگردی .

شاه کبچ کلا  
نون شده کرون  
ما شدیم اسیر  
رفته کربلا ،  
به من به قرون ،  
از دس وزیر .

ای سلی جانم ، سلی جانم سلی ،  
این ور بازار دویدم  
پرهن طوری خریدم  
ای سلی جانم ، سلی جانم سلی ..

آخر نچیدم ز وصال گلی ،  
اون ور بازار دویدم ،  
بتن سلی ندیدم .  
آخر نچیدم ز وصال گلی . . .

تو بودی که یارک میساختی  
سر دزولاک میساختی ؟  
زرمندی قرمه سبزی . . .

میرزا رضای رشیدم  
نیامدی سر کشیدم .  
واست کوفته کشیدم ،

دیزی بازاری شوره ،  
چشم مستبد گوره .

مدعلیسا قوت کو ؟  
توب شنیدرت کو ؟

اقای سردار مرد زرنکه ،  
ده تیر کاشون کار فرنگه  
از تهرون میگن چوندار مییاد ایشالا دروغه .

سوسک سیاه پردار  
مدعلیسا شاه تو وردار .  
کی ... سپهدار ،

بین بدارش زدن ،  
اتیش بمالش زدن !

رئیس بایها عباس افتدی  
افتاد تو خلا چرا نمیخندی ؟

سیرات و شیردون و نگاری  
بافوری غیرت نداری .

ای عرقخورها  
بظری سه قرون  
عرق شده گرون ،  
ما نمیخوریم ،

سک ایی ارمنه  
سک دزنده ارمنه  
خانوم تقایی اومنده ،  
خانوم رو بنده اومنده .

خانوم سلخته  
اقای تمین  
نخوری به تخته ،  
نخوری بیز



بدری کوتوله

نخوری به لوله .

\*\*\*

میخواهی عدس بیارم ،

تورو بهوس بیارم ؟

دیدیکه عدس اوردم ،

تورو بهوس اوردم ؟

میخواهی لبو بیارم ،

سرت و هوو بیارم ؟

دیدیکه لبو اوردم ،

سر تو هوو اوردم ؟

\*\*\*

بشکن ،

من نمیشکنم - بشکن

اینجا تهرونه بشکن

قر فراوومه بشکن ،

برای تاجرا بشکن

روی اجراها بشکن .

\*\*\*

روزگاری بسر پست ازان مس کردم

دس به هف تیر زدم ، هفتافشنگ در کردم

ازان راه بازار سوت زد آمد به جلو :

تو عرق خوردی ، مس کردی ، زود بیفت جلو .

\*\*\*

اقای فکل - چه چه ،

تو لاله زار - چه چه ،

سنار سیرابی - چه چه ،

تو کاسه ای - چه چه ،

ته سیکار داری ؟ چه چه .

\*\*\*

قصه ما بسر رسید .

غلاغه به خوتش نرسید .

پایان

